

وحدت و همبستگی سیاسی از منظر قرآن

سیاست متعالبه

- سال اول
- شماره دوم
- پاییز 92

عقل و وحی
در اندیشه سیاسی
خواجه نصیرالدین
طوسی
(49 تا 68)

مسعود پورفرد*

تاریخ دریافت: 1392/4/20

تاریخ تأیید: 139/8/20

چکیده

قرآن کریم با تعابیری مختلف، وحدت و همبستگی را ستایش کرده و آن را نعمتی الهی دانسته و بعثت پیامبران را برای فرو نشاندن اختلافات و برقراری وحدت در جامعه معرفی کرده است. در این مقاله پس از بررسی مفهومی وحدت که بار معنوی دارد، به مؤلفه‌های تقویت‌کننده وحدت سیاسی اشاره شده است. سپس با آسیب‌شناسی موانع وحدت، «وحدت و همبستگی» به عنوان استراتژی مسلمانان تلقی گردیده است؛ از این رو با غیرمسلمانان، چه یهود و نصارا و چه کفار غیرحربی، صرفاً از طریق قرارداد که بار معنوی ندارد و تاکتیک تلقی می‌شود، می‌توان ارتباط برقرار کرد.

واژه‌های کلیدی: وحدت، تفرقه، مبانی و مؤلفه‌های وحدت سیاسی، چالش‌ها و آسیب‌های وحدت سیاسی

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. poor657@gmail.com

وحدت از ریشه «و-ح-د» مصدر است و در لغت به معنای «یگانه بودن و یکی بودن» (این منظور، لسان العرب، ج 3: 450 این فارس، 1404، ج 6: 90) یگانه شدن دو یا چند چیز در پذیرش «امر واحد» (انیس، 1426، ج 1: 1017)، «گردآمدن برای هدفی معین» و «همبستگی قوم و اتحاد» (افرام البستانی، 1370: 971) آمده است. واژه نزدیک به آن، کلمه اتحاد است. طریحی کلمه «اتحاد» را به معنای «یکی شدن دو شیء» معنا کرده است (طریحی، مجمع البحرین، ج 3: 158) و هر دو را غالباً به یک معنا تعبیر می‌کنند (مسعود، الرائد، ج 2: 1596؛ انوری، 1381، ج 8: 8189/ معادینخواه، 1378: 776). وحدت در لغت‌شناسی قرآنی به معنای «یکی بودن» آمده است (راغب اصفهانی 1423ق: 857). برخی صاحب‌نظران علم سیاست، وحدت را یک مفهوم سیاسی- اجتماعی می‌دانند که به معنای یگانگی و همبستگی در کارکرد احزاب به کار رفته است (ابوالحمد، مبانی سیاست، 438) و بعضی نیز به معنای هم‌رأیی و همبستگی چند گروه و حزب تعریف کرده‌اند (احمدی، 1381: 38). در مباحث سیاسی، وحدت سیاسی و اتحاد سیاسی (Political Unity) به یک معنا به کار رفته است (آقابخشی، 1383: 527) و آن، یگانگی درونی و همبستگی بیرونی در عرصه حیات جمعی جوامع است (ر.ک: استلی وبلاک، 1378: 860؛ ر.ک: ایوانز، فرهنگ روابط بین الملل، 35). در مجموع در مفهوم ایجابی به معنای یکپارچگی و پیوستگی است و در مفهوم سلبی به معنای عدم تفرق است. وحدت در مقابل کثرت بوده و آن بر دو قسم است: وحدت مجازی و وحدت حقیقی. اگر وحدت، صفت واحده نباشد، وحدت مجازی است که خود اقسامی دارد شامل: تماثل، تجانس، تشابه، تساوی، تطابق و تناسب (ر.ک: فیاضی، تعلیقه نهایه فیاضی، ج 2: 534). وحدت در مباحث فلسفی به این معناست که دو شیء از خصوصیات منحصر به فرد خود خالی شده و در قالب شیئی واحد تجلی کنند: «الاتحاد صیرورة الشیئین واحداً من غیر زیاد ولا نقصان» (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه: 29) و در مباحث سیاسی به این معناست که انسان‌ها در عین کثرت و تنوعی که دارند در کلیات و اصول مشترکی که با هم دارند، متحد شده و به شیوه مسالمت‌آمیز با یکدیگر همکاری نمایند (ر.ک: مؤتقی، 1377، ج 2: 386).

انواع وحدتی که برای امت اسلامی می‌توان تصور کرد، سه قسم است:

1. وحدت مطلق: که عبارت است از اتفاق نظر در همه عقاید، معارف و احکام اسلامی با همه اصول و فروع آن. این وحدت با نظر به آزادی اندیشه و تعقل در خصوصیات و کیفیات، و انتخاب دلایل در عناصر و اجزای اصلی عقاید و احکام دین اسلام، بسیار بعید است به طوری که می‌توان آن را امکان‌ناپذیر دانست، به خصوص با در نظر گرفتن اختلاف متفکران در ذوق و اندیشه، و کمی و بسیاری اطلاعاتشان درباره منابع، و همچنین

اختلاف آنان در نوع، هوش و حافظه که بدون تردید در انتخاب و فهم قضایا و تنظیم استدلال و امثال آن مؤثر است.

2. وحدت مصلحتی عارضی: وحدت مصلحتی در مواقع خطر ناشی از جبر عوامل خارج از حقیقت و متن دین، برای جوامع اسلامی پیش می‌آید. معمولاً در هنگام بروز عوامل نابودکننده و مخاطره‌آمیز، تضادها و اختلافات در میان فرقه‌ها و مذاهب نادیده گرفته می‌شود و نوعی اتحاد و هماهنگی میان آنان برقرار می‌شود. چون این نوع اتحاد و هماهنگی معلول عوامل جبری خارج از متن دین است که با رفع آن عوامل این اتحاد نیز منتفی می‌گردد، توقع اینکه وحدت مصلحتی عارضی موجب اتحاد دائمی فرقه‌ها و مذاهب اسلامی شود انتظاری نابجاست.

3. وحدت معقول: وحدت معقول با توجه به آزادی اندیشه و تعقل بیشتر می‌تواند مورد نظر قرار گیرد که آن نیز عبارت است از قرار دادن متن کلی دین اسلام براساس اعتقاد همه مسلمانان و کنار گذاشتن عقاید شخصی، نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. در طریق وصول به وحدت معقول، نخستین گام، رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصب غیرمنطقی می‌باشد (موتقی، ۱۳۷۷: ۲۹). مفهوم اتحاد اسلامی که در یک صد سال اخیر میان علمای مؤمن و روشنفکر مسلمان مطرح بوده است، همانا ایجاد جبهه واحد در برابر دشمنان خطرناک اسلام با تأکید بر مشترکات، در عین اختلافات میان مذاهب در کلام، فقه و غیره. این بزرگان هرگز درصدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی - که هیچ گاه عملی نیست - نبودند (مطهری، امامت و رهبری: ۱۵ - ۱۷).

وحدت در امور اجتماعی و سیاسی به معنای اضمحلال تفکرها و یکی شدن آنها نیست، بلکه هر کسی بر تفکرات و اعتقادات خود راسخ بایستد، ولی به دنبال مشترکات هم باشد. وحدت از دیدگاه عقلایی، طریقت دارد، نه موضوعیت. منظور از وحدت یکی کردن مذاهب موجود نیست یا حتی گرفتن مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها نیست، بلکه مقصود این است که با توجه به مشترکات بین همه طوایف و فرقه‌های اسلامی، نظیر اعتقاد به خداوند یگانه، پیامبر اسلام و کتاب الهی و قبله مشترک و اعتقاد به معاد و احکام اسلامی مثل نماز، روزه، حج و زکات، همه با همدلی با یکدیگر همکاری کنند (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲۵: ۲۷-۲۶). بنابراین مراد از وحدت، برداشتن موانع مصنوعی و پیشگیری از اموری است که باعث جدایی، کینه و دشمنی میان مؤمنان می‌گردد. اصل وحدت و نهی از تفرقه در همه ادیان قبل از اسلام نیز مورد توجه و تأکید بوده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵: ۱۰/ ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۱۱).

سیاست متعالبه

- سال اول
- شماره دوم
- پاییز ۹۲

عقل و وحی
در اندیشه سیاسی
خواجه نصیرالدین
طوسی
(۴۹ تا ۶۸)

بررسی آماری و اجمالی آیات وحدت و همبستگی

1. آیاتی که وحدت و کثرت در نظام آفرینش را مطرح کرده و نظم واحد و هماهنگی و پیوستگی اجزای جهان را نتیجه توحید و یگانگی خداوند معرفی می کنند.

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (انبیاء:21-22).
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات:49-53).

2. آیات ناظر بر سلب، نفی و نهی مسلمانان از تفرقه و جدایی و تنازع و تخاصم، نظیر: «لا تفرق» (بقره:2، 136 و 285)، «فرقوا» (انعام:6، 159 / روم:30، 32)، «لا تنازعوا» (انفال:8، 46)، «اختلفوا» (آل عمران:3، 105 / یونس:9، 19 / نحل:16، 64)، «تقطعوا» (انبیاء:21، 93 / مؤمنون:23، 53)، «لا تفسدوا» (اعراف:7، 56 / بقره:2، 11)، «اختلاف احزاب» (زخرف:43، 65 / مریم:19، 37)، «شیعا» (روم:30، 31 و 32 / انعام:6، 159).

3. آیاتی که به طور ایجابی، اثباتی و امری، مسلمانان را به وحدت و همبستگی و اتحاد و اتفاق دعوت نموده و آنها را به این امر خطیر فرا خوانده است، نظیر: «واعتصموا» (آل عمران:3، 103)، «اصلحوا» (حجرات:49، 10)، «اربطوا» (آل عمران:3، 200)، «تعاونوا» (مائده:5، 2)، «السلام» (بقره:2، 208)، «اصلاح بین الناس» (نساء:4، 114)، «الف بین قلوبکم» (آل عمران:3، 103)، «امه واحد» (بقره:2، 213)، «امه وسط» (همان:143)، «حزب الله» (مجادله:58، 22)، «صراط مستقیم» (آل عمران:3، 51)، «صبغه الله» (بقره:2، 138)، «موده» (روم:30، 21)، «اخوه» (حجرات:49، 10).

مباحث قرآنی وحدت در روایات اهل بیت (ع) نیز مورد تأکید و توجه قرار گرفته و توصیه فراوانی به برادری دینی و بیان شیوه‌های تحقق همزیستی اجتماعی مؤمنان و پیروان مذاهب مختلف کرده‌اند (عیاشی، 1380، ج 1: 48/ر.ک: طبرسی، 1372، ج 4: 487) (تفسیر قمی، ج 1: 204/طباطبایی، 1417، ج 7: 149) (حکیم، 1377: 126-124) (عروسی حویزی، 1415، ج 1: 506 و ج 3: 55 و ج 2: 280).

اهمیت و جایگاه وحدت و همبستگی

قرآن کریم با تعبیری مختلف به وحدت در میان امت واحده اشاره کرده و وحدت و همگرایی را ستایش کرده است و در آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم أعداء فالله یبینه لکم لعلکم تهتدون» (آل عمران:3، 103)، دو بار از نعمتی الهی یاد شده که مایه انس و الفت انسان‌ها به هم شده و آنان را چون برادر به هم نزدیک ساخته، که به وحدت تفسیر شده است (سید قطب، 1412، ج 1: 442). این آیه از

وحدت به عنوان نعمت بزرگی یاد کرده و از مؤمنان خواسته تا با یادآوری از دوران تلخ تفرقه و آشوب، عبرت گرفته و در حفظ وحدت بکوشند، زیرا وحدت میان امت مؤمن، وحدتی است که به خواسته خداوند شکل گرفته و تحقق یافته است (مدرسی 1419، ج 1: 627). در قرآن اتحاد و همبستگی همه انسان‌ها مطلوب و در برابر، اختلاف نکوهیده شده است (مائده 5: 48 / هود 11: 118 / نحل 16: 93 / شوری 42: 8). به طوری که اگر مصلحت ایجاب می‌کرد،

با اراده تکوینی خود، همه مردم را یک پارچه و یک امت قرار می‌داد (طبرسی، جوامع الجامع، ج 1: 334).

پیشینه تاریخی بحث در ادیان توحیدی

اصل وحدت و نهی از تفرقه در همه ادیان قبل از اسلام مورد توجه و تأکید همه پیامبران الهی بوده است و خداوند آیینی را برای بشر به خصوص مسلمانان تشریح کرده که به نخستین پیامبر اولوالعزم نیز توصیه کرده بود و در آن همه پیامبران را به دو اصل مهم سفارش کرده است (شوری 42: 13): برپاداشتن آیین خدا و پرهیز از تفرقه و نفاق در دین، و امر به اقامه دین و تفرقه نکردن. اطلاق این دو سفارش در این آیه بیانگر شمول آن در همه مردم در همه زمان هاست (طباطبایی، 1417، ج 8: 40). «وحدت» اصل اساسی همه ادیان توحیدی است، چراکه دعوت همه ادیان به سمت یک مبدأ و معاد بوده و طبیعی است که خدای واحد، دین واحد و آیین و مقررات واحد همگی زمینه ساز وحدت جامعه‌اند. پیشوایان دینی نیز با گفتار و رفتار بر وحدت تأکید می‌کردند تا آنجا که جدایی از اجتماع مسلمانان را به منزله خروج از مسلمانی قلمداد کرده‌اند (شیخ صدوق، بی‌تا: 297) و حتی کشتن کسی که مردم را به فرقه‌گرایی فراخواند را نیز جایز می‌دانستند (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 127: 392).

اندیشمندان مسلمان نیز در این مورد تقریب و وحدت مذاهب، کاستن از شکاف‌ها و اختلافات مذهبی و وحدت مسلمین تلاش‌های فراوانی کرده‌اند که از جمله می‌توان به متفکرانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی در قرون چهارم و پنجم هجری و سید جمال الدین اسدآبادی (سید محمد محیط طباطبائی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین: 179-212)، محمد حسین کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی (کنگره جهانی ائمه جمعه، بی‌تا: 530-547) و از علمای اهل سنت، محمد عبده، محمود شلتوت، کواکبی، ابن حزم و حسن البنا اشاره کرد.

خاستگاه وحدت و همبستگی

تقویت و ایجاد قوت، قدرت و شوکت مؤمنان و دوری از ضعف و سستی آنان، خاستگاه وحدت تلقی می‌شود. قرآن تفرقه را انحراف از فطرت طبیعی و الهی بشر معرفی کرده است (یونس(9):19/ مغنیه، الکاشف، ج4: 144) و آن را یکی از عذاب‌های الهی برشمرده که برای مجرمان و گردن‌کشان وضع شده است (انعام(6): 65؛ فخرالدین رازی، مفاتیح‌الغیب، ج13: 20). به امت اسلامی نیز هشدار داده شده که اختلاف، تفرقه و احزاب غیرمتحد و پراکنده از ویژگی‌های مشرکین است (روم(30): 32، 31؛ طباطبایی، 1417، ج16: 182). در قرآن اشاره آمده است که، پس از مشاهده دلایل روشن، اختلاف در دین جز از روی بغی و ستمگری نیست (بقره(2): 213/ ر.ک: انفال(8): 46؛ حجازی، تفسیرالواضح، ج1: 834).

مبانی وحدت و همبستگی

مبانی وحدت به مقوله وحدت سیاسی عمق و جهت می‌دهد، به طوری که فهم وحدت سیاسی مستلزم درک و شناخت مباحث پایه‌ای در این خصوص است. در ذیل به برخی از مبانی وحدت اشاره می‌کنیم.

1. ایمان

اصل ایمان به لحاظ اهمیت فوق‌العاده ابتدا در آیات مکی و سپس در آیات مدنی ذکر شده است. چنانچه در سوره شورا نقش ایمان به خدا به عنوان مبنای انکارناپذیر تلقی و برای تازه ایمان آورندگان مکه حائز اهمیت دانسته شده است (شورا(42): 36). در این آیه، روی سخن با همگان بوده و می‌گوید: آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیای فانی است. مبادا شما را فریب دهد و غافل سازد و تصور کنید همیشه در اختیار شماست، ولی پادشاهان و مواهبی که نزد خداست بهتر و پایدارتر است برای کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند (مدرسی، 1419، ج12: 360). نکته قابل توجه در این آیه، تکیه بر مسئله ایمان و توکل است، چراکه امید به پادشاهان الهی برای کسانی است که ایمان آورده و تسلیم اراده او هستند.

نقطه مقابل این گروه کسانی هستند که بر اثر حب دنیا و دلبستگی به متاع زودگذر آن به مجادله در آیات خداوند برمی‌خیزند و حقایق را زیر پا می‌گذارند. قرآن در آیه 103 سوره آل‌عمران نیز به ایمان و تمسک به خداوند اشاره کرده و از مؤمنان خواسته طبق توصیه‌های خداوند، گذشته را به یاد آورند و از دشمنی که با هم داشتند درس عبرت بگیرند و بدانند که فقط خدا در میان آنان وحدت و الفت ایجاد کرده است (همان، ج1: 627). همچنین در سوره انفال، آیات 62 و 63 نیز در تبیین حمایت پیامبر به یاری خود و مؤمنان به مسئله وحدت و الفت در میان آنان اشاره می‌کند. به گفته برخی از مفسران این تألیف

قلوب و نزدیک شدن مؤمنین به یکدیگر و ایجاد وحدت بین آنان، به خاطر ایمان، توجه به خدا و ارتباط دینی بوده است (قرآنی، 1383، ج 4: 357) و گرنه همین انسان‌ها تا قبل از بعثت، دشمن خونخوار هم بودند و بر اثر دوری از یکدیگر و وجود کینه و دشمنی درگیری‌های طولانی داشتند.

2. فضائل و ارزش‌های دینی و انسانی

تأکید بر عمل به ارزش‌ها در برخی از آیات مکی به عنوان مبنای اساسی در حیات و زندگی تازه ایمان‌آوردگان محسوب شده است (نحل: 16؛ 90). همچنین در برخی از آیات مدنی توصیه شده بر اینکه حاکمیت عدالت و تقوا موجب کاهش اختلاف و نزاع، و سیطره ظلم و تجاوز به حریم دیگران سبب درگیری و اختلاف می‌گردد؛ این موضوع نشان از تأکید بر روی ارزش‌ها و فضائل تلقی می‌شود. در این زمینه قرآن دستور به آشتی و صلح داده است، چنانکه در آیه شریفه «وَأَصْلِحُوا» (انفال: 8؛ 1) پس از بحث انفال، دستور به پرهیز از مخالفت با فرمان خدا می‌دهد و میان برادرانی که با هم ستیزه دارند امر به آشتی می‌کند. این آیه درباره جنگ بدر و اختلافی است که در میان آنان افتاد، نازل شد (حسینی جرجانی، آیات الاحکام، ج 1: 325). در این آیه شریفه بعد از امر به تقوا، امر به اصلاح و حل اختلاف شده است که به دست می‌آید، تا فضایل دینی و انسانی نباشد امر به صلاح، یگانگی و وحدت معنا ندارد. (قرآنی، 1383، ج 4: 270). همچنین برخی مفسران در برداشت از آیه 11 سوره توبه بیان می‌کنند که اگر مشرکان توبه کردند و اقامه نماز و ادای زکات نمودند و اگر در عمل، ممارست بر این امور برای مؤمنین ثابت کردند آنگاه در حکم برادران دینی شما هستند (فضل‌الله، 1419، ج 11: 41). آنچه می‌تواند اتحاد را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد، فضائلی است که از ناحیه خدا به عنوان ارزش مطرح شده‌اند، زیرا همه در حکم برادر دینی تلقی می‌شوند و این امر در برقراری و تداوم وحدت در جامعه بسیار کمک‌کننده است (مدرسی، 1419، ج 4: 125).

وحدت و همبستگی در مکه (شکل‌گیری ابتدایی جامعه متحد)

پیامبر(ص) ابتدا به صورت عملی و غیر رسمی به انذار و تبلیغ پرداخت (شعراء: 26)؛ 214 و پس از آن بر اساس نزول آیه شریفه 94 حجر، دعوت رسمی و علنی خویش را آغاز کرد (یوسفی غروی، 1417، ج 1: 528). پیامبر(ص) در مکه مردم را حول محور توحید به وحدت دعوت نمود و در میان تازه ایمان‌آوردگان مودت ایجاد کرد. برخی از آیات مکی با تعبیری مختلف کارهای شایسته از جمله وحدت و همگرایی را عامل محبت و مودت دانسته است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: 19؛ 96)؛ «وَمَا أَرْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»

(نحل(16):64)؛ «إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام(6):159)؛ «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَرْشِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف(46):35)؛ «اسْتَقِيمَ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود(11):112). این آیات حاکی از داشتن انسجام در صفوف مؤمنان در مقابل مواضع ضد توحیدی مشرکان است. با این اوصاف، دستورات الهی به پیامبر(ص) در دوران سیزده ساله مکه باعث شد نظام قبیله‌ای، تا اندازه‌ای دچار درهم ریختگی شود، زیرا مسلمانان هر کدام از قبیله‌ای بودند، آنان با پذیرش اسلام از یک سو، پیوند قبیله‌ای خود را تضعیف کردند و از سوی دیگر وحدت نوپا و ارتباط تازه‌ای بر اساس اسلام با تازه ایمان آورندگان اندک خود، به وجود آوردند. به این ترتیب، براساس آیه شریفه «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون(23):52)، قرآن کریم تازه ایمان آورندگان را به وحدت و یگانگی دعوت می‌کند و این پیام را می‌دهد: «همان‌گونه که پروردگار واحد است، آنان نیز به مثابه یک امت واحد می‌توانند باشند» (ر.ک: کاشانی، منهج الصادقین، ج:6، 222؛ فضل الله، 1419، ج:16، 161 / مکارم شیرازی، 1366، ج:14، 257) و نظام جاهلی که براساس پیوندهای نسبی و عصیبت‌های قومی است را نفی می‌کند. در خطابات مکی، قرآن، حق را فراتر از پیوندهای نسبی و عصیبت‌های قومی دانست و خداوند را برتر از اقارب و خویشاوندان مورد توجه قرار داد: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمِيلَةٍ لَّا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَا كَانِذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (فاطر(35):18).

مؤلفه‌های وحدت و اتحاد در مکه

مؤلفه‌ها عناصری هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در وحدت دارند و به طور نسبی، مستقل از عناصر دیگر عمل می‌کنند و از طریق تعامل با هم به صورت شبکه واحد وحدت سیاسی را نشان می‌دهند.

1. دین الهی

دین الهی در مقابل بت پرستی، شرک و خدایان گوناگون در مکه، دعوت به وحدت، خدای واحد و تعالیم پیامبران پیشین را در بردارد. برخی از آیات مکی حکایت از چنین واقعیتی دارند (شوری(42):13 / روم(30):21 / انعام(6):159). وحدت واقعی در سایه دین الهی امکان دارد، نه آنچه ساخته ذهن مردم بت‌پرست و مشرک مکه است که مانع وحدت و عامل اختلاف و تفرقه است. البته طبق آیات قرآن در مکه، وحدت مؤمنان با گروه کوچک در مکه برای مشرکان سخت است (قرآنی، 1383، ج:10، 383). علی‌رغم مخالفت

مشركان مكه، خداوند دستور مي‌دهد كه مشركان را به حق دعوت كنيد، گرچه بر ايشان سنگين است (شوري(42):13).

2. پيامبر(ص)

برخي از آيات مكى، انبيا را يكي از محورهاي اتحاد بر شمرده و پيامبر اسلام(ص) نيز يكي از انبياست. در قرآن از انبيا و پيروانشان به عنوان يك امت واحد ياد کرده است «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبيا(21): 92) كه پيرو يك هدف بودند و برنامه و هدف و مقصد آنها نيز يكي بوده است (طباطبائي، 1417، ج14: 321) كه اين امر قابل الكو گرفتن است، چرا كه با وجود اختلاف زماني و محيطي با ويژگي‌ها و روش‌هاي خاص، همه در خط توحيد و مبارزه با شرک و دعوت مردم جهان به يكتاپرستي و حق و عدالت گام برمي‌داشتند. پيامبر(ص) از سوي خداوند وظيفه يافت كه حقايق وحياني را براي مردم بازگويد (زمر(39):41/ يوسفى غروي، 1417: 554) و آنان را به صراط مستقيم راه نمايد (شوري(42):52/ مدرسي، 1419، ج12: 413). پيامبر اکرم(ص) با توجه به عهده‌دار بودن سمت شرح و تبیین قرآن در کنار مقام رسالت، (نحل(16):44) ابهامات و اشتباهات در فهم قرآن را كه خود ممكن بود زمينه‌ساز پراكندگي باشد، برطرف مي‌کرد.

وحدت و همبستگي در مدينه

دستور به اعتصام به جبل الهي (آل عمران(13):103)، وجود نهادهايي از جمله مساجد (توبه(9):18/ بقره(2):114/ حج(22):40/ جن(72):18، نماز جماعت و جمعه (آل عمران(3):43/ نساء(4):103/ جمعه(62):9)، دستور به امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران(3):104)، ذکر معيار برای رفع اختلاف به ويژه كه مرجع رفع اختلاف را خدا و رسول معرفی می‌کند (نساء(4):59)، مسئله فتح بزرگ (فتح(48):1)، پیروزی حزب خدا (مجادله(48):22) و رهبری حزب الله (مائده(5):56)، همه نشان دهنده نظام و ساختاری متفاوت با مكه می‌باشد. در مدينه، آنچه نقش به‌سزا و تعیین کننده در نظام سياسي اسلام داشت و مؤمنان را از هر نوع تفرقه و پراكندگي باز می‌داشت، حفظ وحدت و انسجام امت اسلامي بود و آیاتي كه مؤمنان را به اخوت (حجرات(49):10)، اصلاح بين الناس (نساء(4):114)، سلیم (بقره(2):208)، تعاون با برادران ايماني فراخوانده‌اند (مائده(5):2) و يا آنان را از هر نوع تنازع (انفال(8):46)، تفرقه (توبه(9):9):

107، فساد (بقره(2):205)، بغی (همان: 213 و حج(22):60) بر حذر داشته و نيز آیاتي كه مؤمنان را از دوستي با بيگانگان هشدار می‌دهد (توبه(9):23)، را می‌توان نشانه امر مهم

وحدت

دانست.

سياست متعاليه

- سال اول
 - شماره دوم
 - پاييز 92
- عقل و وحی
در اندیشه سياسي
خواجه نصيرالدين
طوسي
(49 تا 68)

مؤلفه‌ها و راهکارهای وحدت و همبستگی سیاسی در مدینه

1. قرآن

از آنجا که در مدینه در خصوص مسئله وحدت تأکید بیشتری شده و در آیات مدنی برای حل اختلافات و تفرقه بسیار به قرآن ارجاع داده شده است، از این رو قرآن یکی از مؤلفه‌های وحدت سیاسی در مدینه تلقی شده است. قرآن کریم در مدینه همه مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه دعوت کرده است (آل عمران(3): 103). در اینکه مقصود از ریسمان الهی چیست، مفسران اختلاف نظر دارند؛ قرآن، کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، ولایت اهل بیت و... وجوهی است که در تفسیر آن گفته شده است (ابوالفتح رازی، 1408، ج 4: 460). برخی نیز مفهوم «حبل الله» را شامل همه این معانی دانسته‌اند (مکارم شیرازی، 1366، ج 3، ص 29) با عنایت به معرفی قرآن به عنوان ثقل اکبر در روایت ثقلین، به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین تفسیر برای این واژه دیدگاه نخست یعنی قرآن است؛ چنان که قرآن، خود از مؤمنان خواسته است تا در منازعات و اختلافات خود، به خداوند رجوع کنند (نساء(4): 59، طبری، 1412، ج 5: 95) و این رجوع الی الله در روایت حضرت امیر(ع) رجوع به قرآن تعبیر شده است (نهج البلاغه، خ 125).

2. تکیه بر عناصر مشترک دینی

مخاطبان دعوت به یگانگی، نقاط مشترکی دارند که قرآن بر این نقاط تأکید کرده است و آنان را به اتحاد فراخوانده است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب به نقاط مشترک عقیدتی که میان اسلام و آنان به ما می‌آموزد اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس با شما همکاری نمایند، بکوشید لا اقل در اهداف مهم مشترک همکاری آنها را جلب کنید و آن را پایه‌ای برای پیشبرد اهداف مقدس قرار دهید «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران(3): 64). قرآن در آیات مدنی به این نکته اشاره می‌کند که عقاید مشترک در میان افراد یک تشکل باعث وحدت آن گروه می‌شود؛ چنان که این ویژگی در مورد تعریف حزب قابل مشاهده است و به معنای هر گروهی است که دارای گرایش‌های واحدی باشند (الفراهیدی، 1414، ج 1: 375) و موارد استعمال آن در قرآن نشان می‌دهد که وحدت عقیده و هدف در آن ملحوظ است (هاشمی رفسنجانی، 1383، ج 10: 488). پس حزب ماهیتاً دارای وحدت درونی است و اختلاف به نوعی مانع حزب بودن می‌شود. در قرآن از دو دسته احزاب یاد می‌شود دسته‌ای که خدا را هدف زندگی خویش قرار داده و بر محور توحید گرد هم آمده‌اند (مجادله(58): 22؛ کاشانی، 1336، ج 9: 213-215) و دسته دیگر که از دستورهای شیاطین تبعیت می‌کنند (مجادله(58): 19؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج 28: 50).

3. مراجعه به سنت و سیره سیاسی پیامبر (ص)

برخی آیات مدنی بر این نکته تأکید دارد که برای رفع اختلافات و مشاجرات باید به نبی اکرم (ص) که رهبری الهی است، مراجعه کرد (نساء: 4): 65؛ طباطبایی، 1417، ج 4: 405). بر این اساس تفسیری که امیر مؤمنان (ع) از آیه شریفه «فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله...» ارائه کرده است، سنت و عترت نبوی نیز از چنین نقشی برخوردارند (نساء: 4): 59/ عروسی حویزی، 1415، ج 1: 506).

4. مراجعه و اطاعت از اولی الامر

در برخی از آیات مدنی علاوه بر رسول، مراجعه به اولی الامر نیز مورد توجه قرار گرفته است. گاهی به طور مستقیم از آن نام برده و مردم را به اطاعت از آنان فرامی خواند (نساء: 4): 83 که بنا بر تفاسیر شیعه، مقصود از آنان اهل بیت (ع) می باشند (طباطبایی، 1417، ج 4: 399) و گاهی به صورت غیرمستقیم از آنان با تعبیر «حبل» یاد کرده است، مانند آیه شریفه «..الا بحبل من الله و حبل من الناس» (آل عمران: 3): 112، که در برخی تفاسیر مقصود از «حبل من الناس»، اهل بیت (ع) معرفی شده است (فیض کاشانی، 1415، ج 1: 371/ حسینی استرآبادی، تأویل آیات الظاهره: 128/ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1: 676/ بروجردی، تفسیر جامع، ج 1: 474).

5. امر به معروف و نهی از منکر

در آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: 3): 104، اشاره به مسئله امر به معروف و نهی از منکر شده که در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت از اجتماع است، زیرا اگر این فریضه در میان نباشد عوامل تهدیدکننده بقای وحدت اجتماعی از درون ریشه‌های اجتماعی را متلاشی می‌سازند. بنا بر این حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست (فضل الله، 1419، ج 6: 200-214؛ مکارم شیرازی، 1366، ج 3: 35).

6. توجه به برنامه‌های عبادی جمعی

تأکید بر حضور در مساجد و برقراری نماز جماعت «و ارکعوا مع ال رکعین» (بقره: 2): 43 و نیز نوید دادن ثواب‌های فراوان به اقامه آن در روایات، از جمله برنامه‌ها و راهکارهای عبادی اسلام برای ایجاد همگرایی است (حراملی، 1414، ج 5: 370). قرآن بر اقامه نماز جمعه تأکید بسیار کرده است (جمعه: 62): 9) همچنین قرآن یکی از حکمت‌های وجوب حج را مشاهده منافع از سوی مسلمانان دانسته است (حج: 22): 28. پیداست که از مهم‌ترین منافع مورد نظر در این آیه، استحکام هرچه بیشتر پیوند برادری و یگانگی میان مؤمنان و نشان‌دادن قدرت آنان در صورت حفظ این یگانگی است.

گونه‌های وحدت و همبستگی سیاسی

با عنایت به اینکه قرآن مسئله وحدت را یک فریضه واجب در میان مؤمنین می‌داند، این مسئله در گونه‌شناسی وحدت سیاسی نیز وجود دارد که وحدت خارج از قلمرو مؤمنین قابل تصور نیست. بر این اساس، گونه‌شناسی وحدت سیاسی به سه قسم «امت‌های موحد»، «دولت‌های مسلمان» و دولت‌ها و گروه‌های موحد قابل تصور می‌باشد. شایان ذکر است که چون وحدت بار ایمانی و مسئله استرتژیک دارد صرفاً در میان مؤمنین و موحدین مسلمان صدق می‌کند، ولی در مورد وحدت با غیرموحدین، غیرحرابی می‌توان فقط همزیستی و ائتلاف داشت که بار غیرایمانی دارد.

1. وحدت و همبستگی سیاسی در سطح جهانی (بین امت‌های مسلمان)

انسان از آن جهت که به جامعه نیازمند است باید با همنوعان خویش همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد و محور در این نوع همگرایی نیز انسانیت انسان‌هاست که در ادبیات اسلامی از آن با عنوان «فطرت توحیدی» (روم:30؛ 30: طبرسی، 1372، ج:8؛ 474) یاد می‌شود که در همه انسان‌ها مشترک بوده و غیر قابل تغییر است و همچنین امری عینی و تکوینی و نیز جاودانه و پایدار است. راز عدم تبدیل فطرت توحیدی انسان نیز این است که خداوند آن را به احسن تقویم ساخته است و هیچ نقص و عیبی در نهان توحیدی او نیست تا تبدیل شود (مدرسی، 1419، ج:10؛ 54). قرآن کریم در برخی آیات به موضوع اخوت دینی که یکی از نشانه‌های وحدت است اشاره کرده و ثمره پیوند قلبی میان برادران دینی، دوری از نزاع و شقاق و اصلاح‌گری می‌داند (حجرات:49؛ 10؛ 1336، ج:8؛ 417؛ بقره:2؛ 220/ توبه:9؛ 11؛ احزاب:33؛ 5). مؤید این مطلب که نشانه‌های وحدت در میان امت‌های مسلمان است،

رحمه العالمین بودن پیامبر(ص) در سطح جهانی در اقصا نقاط عالم برای همه امت‌هاست (انبیاء:21؛ 107/ ابن عاشور، بی‌تا، ج:17؛ 121). وجه سیاسی این نوع از وحدت در رابطه بین امت‌ها بیشتر آشکار می‌شود، زیرا امت‌ها متشکل از انسان‌های متفاوت با عقاید و آرای گوناگونی هستند که لزوماً در این رابطه بعد فطرت توحیدی آنان مورد توجه است. این نکته در نامه حضرت امیر(ع) به مالک اشتر هم مورد توجه قرار گرفته و انسان‌ها را یا برادران دینی یکدیگر، و یا همنوعان هم قلمداد می‌کند (سیدرضی، نهج البلاغه، نامه 53).

2. وحدت و همبستگی سیاسی بین دولت‌های مسلمان

از منظر قرآن کریم، دولت وجودی است که در ذات دیانت نهفته است. بعثت انبیا برای اقامه قسط و عدل است (حدید:57؛ 25). دین برای گسستن زنجیره‌های اسارت انسان و تأمین آزادی بشر است (اعراف:7؛ 157). دین برای نجات مستضعفان از چنگال «ظالمان و ستمگران» و پایان دادن به دوره سلطه آنها است؛ بدیهی است این هدف‌های بزرگ بدون

تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست. و اگر دین از سیاست جدا شود بازوی اجرائی خود را به کلی از دست می‌دهد و اگر سیاست از دین جدا گردد، مبدل به یک عنصر مخرب در مسیر منافع خود کامگی می‌شود (مکارم شیرازی، 1366، ج 19: 421). و نیز گفته شده است: «اسلام دین سیاست است. اسلام دین اجتماع است» (مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر: 21). از آیات دیگری که می‌توان برای دولت به آن استناد کرد آیه 25 سوره ص می‌باشد (مکارم شیرازی، 1366، ج 19: 289). علامه طباطبایی نیز در ذیل آیه 26 سوره آل-عمران «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ»، «مُلْک» را سلطنت و دولت دانسته و از اعتبارات ضروری‌های انسان تلقی کرده است (طباطبایی، 1370، ج 3: 273). البته تعبیر دولت در این متن برداشتی است از مجری هماهنگ‌کننده برای «اصول و منافع مشترک مسلمانان» است. وحدت سیاسی در میان دولت‌های توحیدی زمانی که بر اساس پای‌بندی به دین الهی بر اساس تسلیم شدن در برابر اوامر الهی باشد، میسر است. اگر دولت‌های مسلمان قادر باشند بر اساس رویکرد توحیدی به «اصول و منافع مشترک» دست یابند که این اصول مشترک ایمان به خدا، قیامت و رسالت انبیا است (قرائتی، 1383، ج 3: 133) بدیهی است که می‌توانند با هم وحدت کنند. این بعد از وحدت در همزیستی برای درک موقعیت مشترک در میان مؤمنین

(آل‌عمران(3): 64 / فضل الله، 1419، ج 6: 77) و نیز برخی آیات قرآن با الفاظ مختلف دیگری مؤمنین را به اتحاد و انسجام فرا خوانده‌اند و از آنان می‌خواهد چونان برادر با یکدیگر معاشرت داشته باشند و با همکاری و وحدت با یکدیگر پیوند برقرار کنند (حجرات(49): 10؛ سید قطب، 1412، ج 6: 3343). این محوریت مشترک، بسیار کمک‌کننده به بحث وحدت میان دولت‌های مسلمان می‌باشد.

3. وحدت و همبستگی سیاسی در سطح گروه‌ها و احزاب مسلمان

خداوند به مؤمنان اعلام می‌دارد که کسانی که ولایت و سرپرستی و رهبری خدا و پیامبرش را بپذیرند، در زمره حزب او قرار می‌گیرند و همیشه پیروز خواهند بود (مائده(5): 56). در عرصه سیاسی - اجتماعی مؤمنان تحت عنوان حزب خدا فعال بوده و سایر احزاب نیز در صورتی که در طول این حزب قرار داشته باشند قابل قبولند، زیرا خداوند در قرآن در مقابل حزب الله از حزب شیطان نام می‌برد (مجادله(58): 19 و 22) و این گروه‌های مختلف از موحدین نیز با نظارت و همکاری رهبری و مدیریتی که از ناحیه خداوند مشروعیتش به اثبات رسیده است، می‌توانند به وحدت و اتحاد برسند و اگر جمعیت‌ها، گروه‌ها و احزاب، ایمان محکم و تقوی و عمل صالح و اتحاد و همبستگی کامل و آگاهی و آمادگی کافی داشته باشند بدون تردید در تمام زمینه‌ها پیروز خواهند بود (همان: 22 / مدرسی، 1419، ج 15: 197). طبق دستور قرآن وظیفه حتمی همه مؤمنان این است که از نزاع و درگیری و

خونریزی میان مؤمنان جلوگیری کنند و برای خود در این زمینه مسولیت قائل باشند (حجرات(49):9/ طباطبایی، 1417، ج 18: 315). باید توجه داشت که جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» قانونی را در بین مؤمنان تشریح می‌کند و نسبتی را برقرار می‌کند که قبلاً برقرار نبود و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی و حقوقی و قانونی نیز دارد. علامه طباطبایی در *المیزان*، بر اساس آیه شریفه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات(49):10)، به این فرهنگ حاکم در اجتماع مؤمنان اشاره کرده و به نقل از امام صادق(ع) مؤمن را برادر مؤمن و چشم او و راهنمای او معرفی می‌کند که بر برادرش خیانت نمی‌کند، ستم روا نمی‌دارد و او را فریب نمی‌دهد (طباطبایی، 1417، ج 18: 317). قرآن کریم گروه‌های مسلمان را به تعاون و همکاری دعوت می‌کند و روح تعاون را در جامعه اسلامی گسترش می‌دهد. روشن است که اگر در میان گروه‌ها روح تعاون حکومت کند، زمینه برای پیشرفت و اتحاد آن جامعه فراهم می‌شود (مائده، 2/ فضل الله، 1419، ج 8: 27).

چالش‌ها و آسیب‌های وحدت و همبستگی

شناخت عوامل از بین برنده وحدت به اندازه خود عوامل وحدت رسان حائز اهمیت و اهتمام است. قرآن کریم در برخی از آیات به پرهیز از رذائل اخلاقی و اجتماعی در میان مؤمنین سفارش کرده است. چالش‌ها و آسیب‌های وحدت عبارت است از:

1. هتک حرمت به مقدسات یکدیگر

در قرآن آمده است که اهانت، دشنام و ناسزاگویی، عامل بروز دشمنی و کینه و ناسزا شنیدن است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...» (انعام(6):108). در این خصوص نباید بین گروه‌های مسلمان ولی دارای سلیقه‌های متفاوت اهانت، دشنام و ناسزاگویی باشد. با توجه به اینکه از مؤمنین خواسته شده که حتی به غیرمؤمنین نیز اهانت نکنند و خاطر نشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده و دستخوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی‌شود. چون اگر به بت‌های مشرکان دشنام دهند آنان از روی دشمنی و نادانی به خدا دشنام می‌دهند (انعام(6): 108؛ طباطبایی، 1417، ج 7: 314). دلیل این موضوع روشن است، زیرا با دشنام و ناسزا نمی‌توان کسی را از مسیر غلط بازداشت. اگرچه از گروه‌های موحد ولی دارای سلیقه‌های متفاوت باشد، بلکه به عکس، تعصب شدید آمیخته با جهالت که در اینگونه افراد است سبب می‌شود که در عقیده اشتباه خود راسخ‌تر شوند و برای آنان سهل است که زبان به بدگویی و توهین بکشایند، زیرا هر گروه و ملتی نسبت به عقائد و اعمال خود، تعصب دارد (سید قطب، 1412، ج 2: 1169). همان‌طور که قرآن در جمله بعد اشاره می‌کند برای هر جمعیتی عملشان را زینت می‌دهد (انعام(6): 108).

2. بدگمانی و سوءظن

از صفات رذیله و ناپسندی که در انسان‌ها وجود دارد سوءظن است. سوءظن یعنی اینکه انسان نسبت به دیگران گونه‌ای بدگمانی و بدبینی داشته باشد. بدگمانی یکی از عوامل ضد وحدت در راستای تخریب فضای سالم ایمانی و دینی و افزایش اختلافات و تنش‌هاست: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: 4: 94) که براساس این آیه شریفه قرآن، ممنوع است (مدرسی، 1419، ج 2: 152). در جوامع دینی که از مؤمنان خواسته شده تا برای تحکیم برادری دینی، حتی در مواردی هم چون قصاص، از یک دیگر در گذرند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره: 2: 178). بنابراین بدگمانی و سوءظن نسبت به هم نیز برای تحکیم برادری دینی، یک آسیب جدی برای وحدت میان مؤمنان تلقی می‌گردد.

3. فقدان رفتار اخلاقی میان فرق و مذاهب

رعایت نکردن «دستورات مهم اخلاقی» قرآن - دعوت به حکمت، اندرزهای نیکو، مناظره به نیکی، عدم تعدی به مخالفان، شکیبایی، رفتار دینی، اندوهگین نبودن، موضع‌گیری صحیح، پیشه کردن تقوا، نیکوکاری - می‌تواند قدرت جاذبه اسلام را در ایجاد وحدت کاهش دهد. انسان‌ها در پذیرش حق با یکدیگر متفاوتند و هر کسی با شیوه‌ای که مطابق با استعداد و ظرفیت اوست، هدایت می‌شود این موضوع که در جدل با مخالفان در پایان سوره نحل آمده است (نحل: 16: 125-128) در نحوه تعامل و ارشاد با مخالفان بسیار مؤثر است (طباطبایی، 1417، ج 12: 371-376).

4. طرح مسائل اختلاف برانگیز

درگیر کردن جامعه به موضوعاتی که هویت دینی جامعه را تقویت نمی‌کند و به معنویت و اخلاق اسلامی مدد نمی‌رساند، امری مذموم و نکوهیده تلقی می‌شود و موجب افزایش تنش و اختلاف در میان جامعه می‌گردد. پرهیز از طرح مسائل اختلاف برانگیز و بی‌ثمر خود موجب انسجام در جامعه خواهد شد. از آنجا که قرآن مؤمنین را از جنگ و دشمنی و شقاق و قطعه‌قطعه کردن اجتماع نهی می‌کند، هر حرکتی که در جهت ضدیت با اتحاد مؤمنین باشد برخلاف دستور قرآن است (انفال: 8)؛ / فضل الله، 1419، ج 10: 394 / مدرسی، 1419، ج 4: 71 / قرشی، أحسن الحدیث، ج 4: 141).

سیاست متعالبه

- سال اول
- شماره دوم
- پاییز 92

عقل و وحی

در اندیشه سیاسی
خواجه نصیرالدین

طوسی

(49 تا 68)

آثار وحدت و همبستگی سیاسی

ثمره و آثار عملی پیوند قلبی میان برادران دینی این است که از منفعت‌طلبی برای خود و بی توجهی به دیگران دور باشند و اصلاح‌گری را پیشه خود سازند: «وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ إِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ...» (بقره: 220). در نتیجه این اصلاح‌گری که قرآن به آن تصریح کرده است، آرامش، استحکام صفوف و عزت مؤمنین به وجود خواهد آمد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. ثبات و امنیت سیاسی

مهم‌ترین پیامد وحدت سیاسی امنیت و ثبات و پرهیز از جنگ و چالش و تفرقه است، زیرا وحدت در سطح بین‌المللی میان ادیان توحیدی، همزیستی مسالمت‌آمیز و نوعی دوستی و تعامل را تقویت می‌نماید و همه چالش‌های سیاسی - اجتماعی را که از برتری‌جویی و تکبر ناشی می‌شود را از بین می‌برد. در برخی تفاسیر آمده است که قرآن در آیه 103 آل‌عمران از تفرقه به شعله ور شدن آتش جنگ و خون‌ریزی یاد کرده است و وحدت خطر سقوط در آتش جنگ را بر طرف می‌سازد (طباطبایی، 1417، ج 3: 371) و در آیه شریفه «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ. انظُرْ كَيْفَ نَصَرْنَا لَكُمْ آيَاتٍ لَّعَلَّكُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام: 65)، تفرقه و پراکندگی را معادل جنگ و نزاع تلقی کرده است (همان، ج 7: 137).

2. پرهیز از بهره‌کشی و استضعاف

مستبدان در طول تاریخ از حربه اختلاف و تفرقه برای به استضعاف کشاندن انسان‌ها استفاده کرده‌اند. قرآن کریم آن‌گاه که از، ظلم فرعون یاد می‌کند، علل آن را استبداد و استکبار او و فقدان وحدت سیاسی که از ناحیه فرعون به وجود آمده بود، می‌داند که این امر منجر به استضعاف کشیده شدن قوم او شد: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا أَهْلَهَا شِيعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: 28: 4/ طباطبایی، 1417، ج 16: 8) بنابر این هر کجا وحدت باشد، استضعاف و بهره‌کشی کمتر خواهد شد.

3. استحکام صفوف شهروندان

برخی از آیات در قرآن کریم به این مطلب اشاره دارند که چالش و اختلاف باعث سستی استحکام و استواری صفوف [شهروندان] مؤمنین خواهد شد. از مفهوم آیه شریفه 4 صف برمی‌آید که وحدت سیاسی منجر به قوام و استحکام صفوف شهروندان خواهد شد:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُؤْتُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيُوتٌ مَرُصُوصَةٌ» (صف: 61: 4). در خصوص وحدت سیاسی صفوف مؤمنین برخی از مفسرین اشاره به بنیان مرصوص کرده اند (مدرسی، 1419، ج 15: 343).

سیاست متعالبه

- سال اول
- شماره دوم
- پاییز 92

عقل و وحی
در اندیشه سیاسی
خواجه نصیرالدین
طوسی
(49 تا 68)

4. پیدایش عظمت و شوکت سیاسی

در قرآن از مؤمنین خواسته شده است با قوای نظامی، فیزیکی و جسمی، زمینه ترس و نگرانی دشمنان را ایجاد کنند: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...» (انفال: 8: 60/ فیض کاشانی، 1415، ج 2: 312). از سوی دیگر همه شهروندان را به وحدت و پرهیز از تفرقه فرا خوانده است، زیرا در غیر این صورت عظمت و شوکت آنان از بین خواهد رفت و دشمنان به تدریج بر آنان مسلط خواهند شد (انفال: 8: 46/ ابن عاشور، بی تا، ج 9: 123).

نتیجه‌گیری

پس از بررسی مفهوم وحدت در مجموع در مفهوم ایجابی به معنای یکپارچگی و پیوستگی بر اساس ایمان تلقی شد و به صورت سلبی به معنای عدم تفرق در نظر گرفته شد. وحدت میان تازه مسلمانان از منظر قرآن در دوران سیزده ساله مکه باعث شد نظام قبیله‌ای، تا اندازه‌ای دچار درهم‌ریختگی شود، زیرا مسلمانان هر کدام از قبیله‌ای بودند. آنان با پذیرش اسلام از یک سو، پیوند قبیله‌ای خود را تضعیف کردند و از سوی دیگر وحدت نوپا و ارتباط تازه‌ای بر اساس اسلام با تازه ایمان‌آوردگان اندک خود، به وجود آوردند و در مدینه دستور به اعتصام به حبل الهی و پیدایش نهادهایی از جمله، مساجد، نماز جماعت و جمعه، دستور به امر به معروف و نهی از منکر و ذکر معیارهایی برای رفع اختلاف مسلمانان، نشان‌دهنده نظام و ساختاری متفاوت با مکه می‌باشد.

در مدینه، آنچه که نقش به‌سزا و تعیین‌کننده در نظام سیاسی اسلام داشت و مؤمنان را از هر نوع تفرقه و پراکندگی باز می‌داشت، حفظ وحدت و انسجام امت اسلامی حول رهبری پیامبر(ص) بود. پس از نشان دادن نقش وحدت در مکه و مدینه، به آثار وحدت و همبستگی سیاسی که قرآن به آن تصریح کرده است اشاره شد، از جمله آرامش، امنیت، استحکام صفوف و عزت مؤمنین، که می‌تواند نقش مهمی در وحدت سیاسی مسلمانان امروز داشته باشد. همچنین با بررسی موانع از قبیل هتک حرمت به مقدسات یکدیگر، طرح مسائل اختلاف برانگیز، فقدان رفتار اخلاقی میان فرق و مذاهب، بدگمانی و سوءظن، چالش‌ها و آسیب‌های وحدت سیاسی مشخص شد که شناخت تهدید وحدت به اندازه خود عوامل وحدت‌رسان امروزه در امت اسلامی حائز اهمیت و اهتمام است. آن‌گاه با بررسی مجموع آیات از منظر مفسران قرآن به این نتیجه رسیدیم که «وحدت و همبستگی» با

توجه به بار ایمانی تاکتیک موضعی نیست، بلکه به عنوان استراتژی مسلمانان باید تلقی گردد؛ از این رو وحدت سیاسی فقط با مسلمانان مؤمن و موحد مقدور است و با غیرمسلمانان، چه یهود و نصاری (مائده(5):51) و چه کفار غیرحربی (نساء(4):141)، صرفاً از طریق قرارداد که بار معنوی ندارد و تاکتیک تلقی می‌شود براساس ضرورت و مصلحت، می‌توان ارتباط برقرار کرد.

فصلنامه

علمی

پژوهشی

سینا

Archive of SID

سیاست متعالبه

- سال اول
 - شماره دوم
 - پاییز 92
- عقل و وحی
در اندیشه سیاسی
خواجه نصیرالدین
طوسی
(49 تا 68)

1. آقابخشی، علی (1383ش)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
2. ابن ابی الحدید (1400ق)، شرح نهج البلاغه، قاهره: دارالاحیاء التراث العربی.
3. ابن عاشور، محمد بن ظاهر (بی تا)، التحریر والتنویر، بی نا.
4. ابن فارس، احمد (1366-1371ش)، مقاییس اللغة، قاهره: دارالاحیاء الکتب العربیه.
5. ابن فارس، ابوالحسن احمد (1404ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام اسلامی، ج 6.
6. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (1419ق)، تفسیر ابن کثیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
7. ابن هشام (1985م)، السیره النبویه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
8. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (1408ق)، روض الجنان و روح الجنان، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی استان قدس رضوی.
9. اسفندیاری، محمد (1376ش)، خمود و جمود، تهران: نشر باز.
10. _____ (1375ش)، پژوهش‌هایی در زمینه کتاب و تقد کتاب، قم: نشر حرم.
11. افرام البستانی، فواد (1370ش)، المنجد لاجدی، ترجمه رضا مهبیار، تهران: نشر الاسلامی.
12. الفراهیدی، خلیل بن احمد (1414ق)، ترتیب العین، قم: موسسه نشر الاسلامی.
13. انوری، حسن (1381ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
14. اولیور استلی برس، آلن بولک (1378ش)، فرهنگ اندیشه نو، ترجمه علی پاشایی، مازیار، چاپ دوم.
15. پیمان، حبیب اله (1356ش)، حیات و مرگ تامل‌ها، تهران: نشر قلم.
16. ثقفی، سیدمحمد (1376ش)، نخستین حکومت اسلامی، تهران: نشر هجرت.
17. جوادی آملی، عبدالله (1372ش)، شریعت در آینه معرفت، قم: موسسه فرهنگی رجاء.
18. حرعاملی، محمد بن حسن (1414ق)، وسایل الشیعه، تحقیق مؤسسه آل‌البیت، قم، دار احیاء التراث العربی.
19. حکیم، محمد باقر (1377ش)، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، تهران: تبیان.
20. راغب اصفهانی (1423ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالعلم.
21. رهنورد، زهرا (1357ش)، موضع‌گیری طبقات اجتماعی یا فرایند انحطاط یک جامعه در قرآن، تهران: قلم.
22. زمخشری (1407ق)، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
23. زنجانی، عبدالکریم (1384ش)، الوحده الاسلامیه، ترجمه عطا محمد سردارنیا، نجف: نشر قضاء.
24. سیوطی، جلال الدین (1404ق)، الدر المنثور للسیوطی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
25. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (1412ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
26. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (بی تا)، الامالی، قم: مؤسسه البعثه.

- 27 طباطبایی، محمدحسین (1349ش)، *تفسیرالمیزان*، ج 3، ترجمه موسوی همدانی، تهران: محمدی.
- 28 _____ (1417ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 29 _____ (1360ش)، *قرآن و تنازع بقاء و انتخاب اصلح* (مجموعه مقالات)، به کوشش: سید هادی خسروشاهی، قم: اهل بیت.
- 30 طبرسی، فضل بن حسن (1372ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- 31 طبری، محمد بن جریر (1412ق)، *جامع البیان*، بیروت: دارالمعرفه.
- 32 طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- 33 عاملی، علی بن حسن (1413ق)، *الوجیز فی تفسیر القرآن*، قم: دارالقرآن کریم.
- 34 عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (1415ق)، *نورالثقلین*، قم: اسماعیلیان.
- 35 عیاشی، ابونصر محمدبن مسعود (1380ق)، *تفسیر عیاشی*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- 36 فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر (1420ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- 37 فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد (1381ش)، ترجمه حمید احمدی، تهران: میزان.
- 38 فضل الله، سید محمد حسین (1419ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، الملاک للطباعة و النشر.
- 39 فیض کاشانی، ملاحسن (1415ق)، *تفسیر صافی*، تهران: الصدر.
- 40 قرائتی، محسن (1383ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهای قرآن.
- 41 قرطبی، محمد بن احمد (1364ش)، *جامع الاحکام*، تهران: ناصر خسرو.
- 42 قضاوی، یوسف (1422ق)، *الامه الاسلامیه حقیقه لا وهم*، بیروت: الرساله.
- 43 کاشانی، ملافتح اله (1336ش)، *منهج الصادقین*، تهران: کتابفروشی علمی.
- 44 گلن، ویلیام و هنری مرتن (1379ش)، *کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)*، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران: اساطیر.
- 45 مدرسی، سیدمحمد تقی (1419ق)، *من هدی القرآن*، تهران: دارمحبی الحسین.
- 46 مدکور، ابراهیم بیومی (1426ق)، *المعجم الوسیط*، قاهره: مکتبه اشروق الدولیه.
- 47 مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- 48 مرکز فرهنگ و معارف قرآن (1383ش)، *دائرة المعارف قرآن کریم*، ج 2، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- 49 مطهری، مرتضی (1366ش)، *فلسفه تاریخ*، تهران: صدرا.
- 50 _____ (1381ش)، *مجموعه آثار، عدل الهی*، ج 1، تهران: صدرا.
- 51 _____ (1370ش)، *انسان در قرآن*، تهران: صدرا.
- 52 معادینخواه، عبدالمجید (1378ش)، *فهرست تفصیلی مفاهیم قرآن کریم (فروغ بی پایان)*، تهران: ذره.
- 53 مقدسی، مطهر (1374ش)، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.

54. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (1366ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
55. موثقی، سید احمد (1377ش)، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

56. نوری، محمد (1379ش)، مجموعه مقالات همایش رقابت‌های سیاسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.

57. هاشمی رفسنجانی، اکبر (1383ش)، فرهنگ قرآن، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
58. یوسفی غروی، محمدهادی (1417ق)، موسوعه‌التاریخ الاسلامی، قم: مجمع فکر اسلامی.

سیاست متعالیه

- سال اول
 - شماره دوم
 - پاییز 92
-
- عقل و وحی
در اندیشه سیاسی
خواجه نصیرالدین
طوسی
(49 تا 68)